info@payamdaily.ir

پیام

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۵۸۶
شنبه / ۲۷ مرداد/ ۱۴۰۳
۱۲ / صفر / ۱۴۴۶
17 / August / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

طنز ۷۴۷

امروز با حافظ

چـــرا چـون لاله خونـین دل نباشم؟
که با ما نرگسِ او سر گران کرد
که را گویم که با این دردِ جان‌سوز؟
طـبـیـبم قـصـدِ جـانِ ناتـوان کرد

خوانده

زندگی محمل کسش وهم
دوعالم آرزوست
می‌تپد در هـر نفـس
صد کاروان بانگ درا

بیدل دهلوی

اذان گرج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۵۵	۰۵:۲۷	۱۲:۱۰	۱۸:۵۱	۱۹:۱۰

برگه

در پایان، تعداد سال‌های زندگی‌تان اهمیتی ندارد؛ آنچه مهم است، زندگی جاری در خلال این تعداد سال‌هاست...

آبراهام‌لینکلن

گزارش روز

اسرائیل نمی‌تواند بفهمد سنوار کجاست و چگونه فرماندهی می‌کند؟

انتخاب سریع جانشین شهید اسماعیل هنیه در مقام رهبری حماس، آن هم انتخاب کسی که داخل غزه حضور دارد و جنگ را از وسط میدان مدیریت می‌کند، موجب سرخوردگی و درماندگی تحلیلگران صهیونیست شده است.

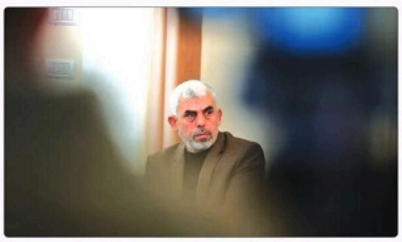

به گزارش پیام آشنا به نقل از جهان نیوز، روزنامه صهیونیستی حیوزم نوشت: هنوز کسی نمی‌داند یحیی سنوار در غزه دقیقا کجاست و چگونه می‌تواند گروه فلسطینی حماس را کنترل و اداره کند. با تصمیم حماس او اخیرا به جای اسماعیل هنیه به عنوان رئیس دفتر سیاسی این گروه نیز منصوب شده است.

یحیی سنوار رهبر حماس در غزه منزوی است اما همچنان با مبارزان و رهبری این گروه در سایر نقاط خاورمیانه در ارتباط است. بسیاری این پرسش را مطرح می‌کنند که او چگونه از غزه با دیگر قرارگاه‌های این گروه فلسطینی ارتباط می‌گیرد؟ گفته می‌شود سنوار به ارتباطات الکترونیکی اعتماد ندارد.

این واقعیت که سنوار در ارتباطات خود جنبه احتیاط را رعایت می‌کند تجربه‌ای است که بیشتر در جریان ترور دیگر مقام‌های ارشد حماس و حزب‌الله لبنان حاصل شده و مقام‌های این گروه‌ها در استفاده از گوشی‌های تلفن همراه بسیار احتیاط می‌کنند.

سنوار کار دشواری دارد که همزمان هم در ارتباطات خود بسیار احتیاط کند و هم بتواند بر گروه تحت کنترل خود اشراف داشته باشد. سنوار باید اطمینان حاصل کند که حماس در شکل رهبری در هرج و مرج گرفتار نشود. او باید به صورت مداوم در غزه در حال تغییر مکان خود باشد، سنوار که در خان یونس بزرگ شده به خوبی نوار غزه را می‌شناسد و بر جغرافیای تونل‌های زیرزمینی آنجا اشراف دارد.

در آخرین تصاویر منتشر شده از سنوار، او در حال عبور از یکی تونل‌های زیرزمینی نوار غزه مشاهده شد اما با وجود ماه‌ها جنگ این باریکه و حضور نظامی سربازان اسرائیل نتوانسته این مرد مرموز را بلعوش را پیدا کند. در عین حال و با توجه به اینکه اخیرا او به عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس منصوب شده بسیار مهم است که ارتباطات با سنوار در طول مذاکرات آتش‌بس حفظ شود. این در حالی است که پیشتر قراری در خارج از غزه مانده هنیه حضور داشتند که می‌توانستند درخصوص مذاکرات تصمیم‌گیری کنند اما حالا کار برای این امر دشوارتر شده است.

روزنامه سعودی الشرق الاوسط هم که در لندن منتشر می‌شود در گزارشی نوشت: تنها تعداد کمی از مقام‌های ارشد حماس می‌دانند که یحیی سنوار در کجاست. سنوار می‌تواند هم با قرارش مکالمه تلفنی داشته باشد و هم به نقاط مختلف در غزه هم سرکشی کند. سنوار هر نو هفته یک بار و گاهی یک بار در ماه اطلاعات و دستورالعمل‌ها را می‌دهد. گاهی اوقات دستنویس و گاهی اوقات پیام‌های چاپ شده با امضای خودش. هیچ کس نمی‌دانست چگونه این اطلاعات منتقل شده و کسی هم نمی‌دانست که سنوار کجا پنهان شده است».

این روزنامه همچنین می‌نویسد که سنوار نه تنها با فرماندهان تیپ خود ارتباط برقرار می‌کند، بلکه به نوعی با حماس در خارج از کشور نیز در تماس است. حماس به پروتکل‌های ارتباطی ویژه‌ای متکی است که عمدتا برای برقراری ارتباط با متحدین خود در خارج از کشور از آن استفاده می‌کند.

یادآور می‌شود روزنامه صهیونیستی جروزالم پست پیش از این هم نوشته بود: اگر در جنوب (یعنی غزه) نظمی برقرار نشود، ما وخیم‌تر و وخیم‌تر می‌شویم.

برش

الهیات ترور صهیونیست‌ها

سیاست حذف فیزیکی و ترور سران و رهبران نهضت و مقاومت اسلامی که این روزها بار دیگر توسط رژیم صهیونیستی به شدت دنبال می‌شود؛ سیاست و روشی قدیمی است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از الف، سیاست حذف فیزیکی و ترور سران و رهبران نهضت و مقاومت اسلامی که این روزها بار دیگر توسط رژیم صهیونیستی به شدت دنبال می‌شود؛ سیاست و روشی قدیمی است. اساسا تاریخ و پیدایش رژیم صهیونیستی با این قبیل اقدامات مجبن همین شده است و آنان در کنار کشتار مردم عادی دست به ترور سران مقاومت می‌زنند.

موضوع ترور همواره برای آنان به مثابه یک اولویت بوده؛ و اگر احیانا در مقاطعی ترور و حذف فیزیکی از سوی آنان دنبال نشده به این علت است که دستشان به فرماندهان مقاومت نرسیده یا ریسک و خطر آن را نپذیرفته‌اند.

مسأله مهم در این میان آن است که صهیونیست‌ها به این طریق هم نمی‌توانند اهداف خود را پیگیری کنند و پیروز این نبرد باشند. آن‌ها در طول این سال‌ها بسیاری از سران مقاومت نظیر سیدعباس موسوی، نبیرکل سابق حزب‌الله یا شیخ احمدیاسین موسس حماس را به شهادت رساندند، اما نه تنها این گروه‌های مقاومت تضعیف نشد بلکه باقدرت بیشتری به تقابل با اسرائیل پرداختند. نکته مهم، دیگر این است که ترور برای صهیونیست‌ها یک توجیه الهیاتی دارد. آنان اساسا هر غیر یهودی را حیوان ناطق می‌نامند که نظیر سایر حیوانات هستند؛ لذا جان‌های آنان محترم نبوده و مباح است. از این جهت است که کشتار و از اهمیت موضوع ترور برای آنان به این راحتی قابل تشویزه شده است. آنان فلسطینیان را افراد غیر انسان و یا حیوان‌های انسان‌نما معرفی کردند که نشان از حقیقت نگاه آنان به سایر افراد دارد. حتی برای این قشر اروپایی‌ها و سران غربی نظیر ماکرون و بایدن نیز از این دسته حیوانات انسان‌نما هستند آنان استراتژی دارند به نام چمن‌زنی. چمن را زمانی کوتاه می‌کنند که بلند می‌شود؛ از نظر صهیونیست‌ها اسامابن‌لادن گذاشت مسلمانان پیشرفت و قدرت بگیرند که بخواهند سر خود را در جهان بلند کنند، لذا باید آنان را کشت و در سخنی قرار داد تا دیگر بلند نشوند. دقیقا از دل چنین رویکرد و تفکری است که گروهک هایی خونخوار و آدم‌کش نظیر گروهک‌های تروریستی بیرون می‌آیند و خاورمیانه را درگیر می‌کنند.

محمدحسن‌قدیری‌ابیانه
تحلیلگر مسائل سیاسی

اشاره

انتقام با پیوست رسانه

یکی از مهم‌ترین ابزارهای مهم این جنگ نرم، رسانه است. هر تحلیلی طی این دو هفته راجع به انتقام منتشر می‌شد، نافرجه به تحولات رخ داده است. باید ضمن ادامه این روند، و حفظ آن انسجام و اعتبار، یک «پیوست رسانه‌ای قوی» برای آینده و بعد از انتقام هم آماده کرد.

به گزارش پیام آشنا، به نقل از کیهان: ۱- همیشه موازی با هر «جنگ سخت»، یک «جنگ نرم» و «جنگ روانی» به راه می‌افتد. فهم این جنگ نرم و روانی که عموما با هدف تغییر در محاسبات حریف، ایجاد خدشه و شکاف در افکار عمومی و متزلزل ساختن آن صورت می‌گیرد، بی‌نهایت مهم است. اصولا نتیجه جنگ‌های سخت ارتباط مستقیمی با میزان موفقیت این جنگ نرم دارد و رسانه‌ها در این بین، نقشی «تعیین‌کننده» و «اساسی» دارند.

۲- یورگن هابرماس، جامعه‌شناس و فیلسوف آلمانی اصطلاحی دارد با عنوان Validity Claim که ترجمه فارسی آن می‌شود «اعتبار ادعا». خلاصه آن به زبان خیلی ساده این می‌شود که در هر جامعه‌ای ارزش‌های معتبر شده‌ای وجود دارند که بنا به دلایلی برای مردم «معتبر» شده‌اند. در این بین شاید افرادی از آن جامعه هم باشند که اعتقادی به این «ارزش معتبر» نداشته باشند اما چون قضایا برایشان منفعت نیست، کاری با آن ندارند و مخالفت علنی هم نمی‌کنند اما همواره زمینه لازم برای مخالفت علنی را دارند. مثلا «روزه» یا «حجاب» در یک جامعه دینی را در نظر بگیرید. فردی مخالف و دشمن دین یا استفاده از تریبون رسانه، اعلام می‌کند، روزه گرفتن باعث ایجاد سنگ کلیه و بیماری می‌شود! اصلا نیازی به توضیح علمی هم نمی‌بیند، با یکسری کلیات لوایلیا و طی حکمی عمومی و کلی مدعی ضرر داشتن روزه می‌شود. هابرماس می‌گوید، این جا همین یک موضع خلاف به «اعتبار ادعا» خدشه وارد می‌کند. یعنی آن افرادی که به هر دلیلی مخالف روزه بودند اما فرصت و امکان مخالفت علنی با آن را نداشتند، فرصت را مغتنم شمرده و از سکوت خارج می‌شوند آن ادعا را می‌پذیرند و تا بدین ترتیب به آن ارزش و اعتبار، خدشه وارد شود. خدشه وارد شدن به این اعتبارها یعنی، بروز شکاف و شکسته شدن آن انسجام اجتماعی. نظام سلطه تا دلتان بخواهد از این ترفندهای شیطانی، برای به هم ریختن جوامع، راه انداختن اغتشاش‌های رنگی استفاده کرده است. حال تصور کنید، روی یک مسئله مهم در یک جامعه، اتفاق نظر وجود دارد و این انسجام و اتحاد هم به شدت ضروری است منتهی یک رسانه، فرد یا دشمن، با هدف شکستن این اتحاد و اعتبار، نظری خلاف آن مسئله معتبر شده برای مردم می‌دهد و رسانه‌ها نیز آن را بمپلاژ می‌کنند. این جا به آن Validity Claim خدشه وارد می‌شود. خدشه وارد شدن به اعتبار ادعا همان، و بروز شکاف و اختلاف، همان.

۳- کشورها در شرایط ویژه برای حفظ آن «انسجام اجتماعی» و «اعتبار ادعا»ها را مدارکهایی دارند. مثلا با شروع جنگ غزه، برخی کشورهای غربی برای این که به «احترام به اسرائیل به هر قیمتی» به عنوان یک «اعتبار ادعا» خدشه وارد نشود، قوانین قبلی تصویب کردند. در کشورهایی که دهه‌هاست بُرِ آزادی بیان و آزادی گردش اطلاعات را می‌دهند، کوچک‌ترین انتقادی از اسرائیل جُرم تلقی شده. در آمریکا شمار زیادی دانشجو و استاد دانشگاه فقط به دلیل اینکه خواستند نسل‌کشی در غزه متوقف شود، تعلیق، اخراج و محاکمه شدند. سال‌هاست در بسیاری از کشورهای غربی، تحقیق و مطالعه درباره هولوکاست، ممنوع و جُرم است و نقدهای لطیف به رژیم صهیونیستی را هم معادل، یهودی‌ستیزی گرفته و بدترین برخوردها با منتقد می‌شود تا به آن «اعتبار ادعا» یا خدشه وارد نشود یا کمترین خدشه وارد شود.

۴- جنگی کنترل شده، غیرمستقیم اما بزرگ، بین ایران و متحدانش در یک طرف و رژیم صهیونیستی، آمریکا و متحدانش در طرف دیگر جریان دارد که در نتیجه نه سال یک سال و دو سال پیش که از بدو وقوع انقلاب اسلامی جریان داشته و بسته به تحولات، شدت و ضعف داشته اما هرگز متوقف نشده است. در تمام این سال‌ها رژیم تروریست صهیونیستی سیاست «ترور» را در دستور کار قرار داده و در این بین تمام قوانین بین‌المللی را نیز زیر پا گذاشته است. با تکیه بر همین سیاست، دو هفته‌ای می‌شود که «اسماعیل هنیه» رهبر حماس را که با گذرنامه دیپلماتیک وارد تهران شده بود، ترور کرده است و بهتر از هر کسی می‌داند، ایران و دوستانش انتقام او را خواهند گرفت. محور مقاومت نیز با اتخاذ سیاست «ابهام» در حال زجرکش کردن صهیونیست‌هاست طوری که کارشناس شبکه تلویزیونی این رژیم می‌گوید: «انتظار مرگ دردناک‌تر از خود مرگ شده است» وقتی وارد گشوده می‌شوند و در روز روشن میهمان عزیزی را ترور می‌کنند، طبیعی است که، غیرت مردمان آن کشور به جوش آید در ساعات نخست خبری شدن این ترور، دوستان زیادی تماس گرفتند و ضمن بروز خشم و نفرت، می‌پرسیدند: «کی جواب اسرائیل را می‌دهیم؟» آن‌قدر این خشم مقدس زیاد شد که طی همان چند روز نخست، انتقام از رژیم صهیونیستی بین افکار عمومی ایران- و احتمالا منطقه- تبدیل به یک Validity Claim شد. یعنی همه خواستار انتقام شدند و انتقام معتبر شد. معمولا هم همین‌طور است. در آغاز حوادث اینچنینی، به دلیل «معتبر شدن»، فضا به شدت مستعد پاسخ است. هرچه از این زمان بیشتر بگذرد، به دلیل فضا شدن برخی چهره‌ها و رسانه‌های خاص، با این اعتبار ادعا خدشه وارد می‌شود. رفته رفته آنهائی که شیعون پرز «بزرگترین سرمایه‌های اسرائیل در ایران» می‌نامد، تلاش می‌کنند این اعتبار و انسجام اجتماعی را بشکنند. یا مردم را از بحرانی شدن اقتصاد می‌ترسانند، یا رو به شاهعبدالرضا می‌آورند، با اصل واقعه را جنان وارونه روایت می‌کنند که در نهایت آن انسجام شکسته شود. شاید باورش سخت باشد اما برخی در همان روزهای نخست ترور اسماعیل هنیه گفتند: «کار خودشونه»!

۵- ایران عزیز و متحدانش، صد در صد پاسخ این تجاوز آشکار و میهمان‌کشی صهیونیست‌ها را خواهند داد چرا که در غیر این صورت، بازهم این تیروها به شکلی بدتر تکرار خواهند شد این یک، دو طبیعی است، هرچه پاسخ قوی‌تر باشد، زمان برای بررسی جواب، هم بیشتر خواهد بود. راز طولانی شدن زمان برای انتقام، می‌تواند بزرگ بودن انتقام هم باشد. سه، این هم طبیعی است که، مسئولین فرد هرمه جبهه‌های مقاومت، بهتر از انتقال من و شما، می‌دانند، انتقام باید کی و چگونه گرفته شود. اما این جا زمان هم بی‌نهایت مهم است. دشمن و تریبون‌های جنگ نرمش، به شدت فعالند. رهبران و متحدان رژیم صهیونیستی، مدام با واسطه و بی‌واسطه با هدف خدشه وارد کردن به همین «اعتبار انتقام» و «اجبار» به مسئولین کشورمان تماس می‌گیرند تا شاید بتوانند، ضمن ایجاد تردید یا ترس، محاسبات را به هم بریزند.

از آن سو

رهبران ۴ کشور اروپایی با بیانیه‌ای، تلاش می‌کنند ضمن بزرگ‌نمایی از توانایی‌های جبهه خود، ملت و مسئولین را بترسانند و از سوی دیگر، طرح آشتی‌س و مذاکره برای روز پنجشنبه (امروز) را هم روی میز می‌گذارند تا شاید بتوانند جلوی انتقام را بگیرند و ایران را حر صورت گرفتن انتقام- متهم به شکست طرح مذاکرات آتش معرفی کنند. یک جنگ روانی ترکیبی و مدیرکلی و غیره هم کشاندند. بعضی اظهار خوشحالی کردند از این که مثلا ۶۰ درصد کلینه از فلان جناح است. بعضی‌ها اظهار ناراحتی کردند که چرا ۱۰۰ درصد کلینه از فلان جناح نیست. بعضی خشنود بودند از این که درصدی از کلینه به فلان جناح تعلق ندارد و در این میان شایستگی و لیاقت وزرای پیشنهادی از نگاه آنان، در محاق قرار گرفت.

در کنار این نکات، همچنین مشخص شد که در عرصه سیاسی کشور، افراد تند و افراطی و شلوغ‌کن و شهرت‌طلب، همواره بوده‌اند و هستند و خواهند بود که تنها یک اصل برایشان مهم است: جنجال به پا کن تا دیده شوی! برای اینان، هیچ چیز و هیچ‌کس مهم‌تر از خودشان نیست. اینان تنبه دیده‌شدن هستند و برای این منظور، هر کاری می‌کنند موافقت یا مخالفت با اعضای کلینه صرفا یک وسیله و ابزار و در واقع یک بهانه است. اصل، «من» است که باید به هر طریق ممکن دیده شود و بر سر زبان‌ها بیفتد.

و اما آنچه از این پس مشخص خواهد شد این که در تعامل میان آقای پزشکیان به‌عنوان رئیس قوه مجریه و نمایندگان مجلس به‌عنوان قوه مقننه، با مسئولیت‌های مشخص هر یک از این قوا در قوانین اساسی، تاچه حد اصول محترمی مانند منطق و حق و عدالت و نزاهت و هوشمندی حاکم خواهد بود شکی نیست که بررسی موشکافانه میزان شایستگی هر یک از وزرای پیشنهادی در عرصه تخصصی و وزارتخانه خود، نه‌تنها یک حق، بلکه مسئولیت شرعی و قانونی نمایندگان مجلس است که تخطی از آن به نفع هیچ‌کس نیست.

از سوی دیگر، برحذر بودن از نگاشها و قضاوت‌های خطی و جناحی در موافقت با مخالفت با وزرای پیشنهادی نیز باید دقیقا از زاویه همان مسئولیت شرعی و قانونی مورد لحاظ قرار داشته باشد، و در کنار این دو، باید خاطرنشان ساخت که مصالح عالیه کشور و نظام و مردم نیز قابل کتمان و چشم‌پوشی نیست. امید آن‌که در پایان این بحث‌ها و بررسی‌ها مشخص شود همگان به مسئولیت‌های قانونی و شرعی خود عمل کرده‌اند و با تشکیل یک دولت وفاق ملی و کارآمد، مسیر کشور برای اعتلا و سربلندی و سعادت، بیش از پیش هموار شده است.

جعفر بلوری

مکث

۶ ضلعی ترور شهید هنیه

امروز همه این بازیگران با اسم رمز «آتش‌بس دائم» در صدد جلوگیری از «پاسخ قطعی» ایران، حزب‌الله لبنان، حزب‌الله عراق، ارتش سوریه، انصارالله یمن و حماس هستند. چنین تلاش منبوحه‌ای از سوی غرب جز حالی انجام می‌شود که بنیامین نتانیاهو اساسا انعقاد توافق آتش‌بس واقعی را خط قرمز خود قلمداد می‌کند و بازیگران اروپایی و آمریکایی نیز با سوءتفسیر عامدانه خود از مفاد و تبصره‌های سند توافق، زمینه را جهت استمرار کشتار و نسل‌کشی رژیم متحوس صهیونیستی فراهم می‌سازند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، سران آمریکا و ۴ کشور انگلیس، آلمان، فرانسه و ایتالیا در بیانیه مشترکی ضمن اعلام انصراف ایران از حمله به رژیم صهیونیستی شده و اعلام کردند: «آماده دفاع از اسرائیل در برابر تهدیدات ایران هستیم. ما از تلاش‌ها برای کاهش تنش در خاورمیانه حمایت می‌کنیم». تاکنون بارها درباره پیوند مطلق لابی‌های صهیونیست با جریان‌های سنتی و حتی توظیهور قدرت در اروپا سخن گفته‌ایم؛ از لابی‌های صهیونیست متنفذ در احزاب سوسیال ـ دموکرات تا یهودیانی که در احزاب محافظه‌کار و ملی‌گرا سکان هدایت پارلمان و دولت‌های اروپایی را در دست گرفته‌اند. این بار اما قصد بازخوانی فعالیت‌های آشکار و پنهان لابی‌های صهیونیست در غرب را نداریم! آنچه در فرمانش بیانیه ولیعهد ۵ کشور عضو گروه ۷ دیده می‌شود، فراتر از یک لابی‌گری یا تعهد ساده به دفاع از تروریسم صهیونیستی بوده و نقطه آشکارساز تعلق راهبردی این بازیگران به تل‌آویو است. در این معادله شیطانی، رژیم اشغالگر قدس حکم متغیر مستقل و ۵ کشور تنظیم‌کننده بیانیه اخیر، حکم متغیر وابسته را دارند. شهروندان کشورهای اروپایی این ترکیب و معادله را در جریان جنگ غزه پس زده و رسما از آن عبور کرده‌اند. لولاف شولتس صدراعظم، سوسیال ـ دموکرات آلمان، جورجیا ملونی نخست‌وزیر نئوفاشیست ایتالیا، امانوئل مکرون رئیس‌جمهور ظاهرا مستقل فرانسه و کی‌یر استارمر نخست‌وزیر برآمده از حزب کارگر انگلیس، جملگی به مهره‌های بازی صهیونیست‌ها در نظام بین‌الملل تبدیل شده‌اند و حتی پیام خیزش‌های گسترده و عمیقی را که در جوامع آنها علیه ماهیت و موجودیت صهیونیسم و متعلقات آن در جهان امروز رخ داده، درک نکرده‌اند. البته ملت‌های اروپایی در طول بیش از ۱۰ ماه سپری شده از جنگ غزه، فرصت لازم را به سیاستمداران حوت جهت بازگشت از این مسیر داده‌اند و این فرصت به لحظات پایانی خود رسیده است.

نکته مهم دیگری که در این باره لازم است مورد توجه قرار گیرد، معطوف به نوع مواجهه جمهوری اسلامی ایران با تنظیم‌کنندگان بیانیه آمریکایی - اروپایی اخیر است. ۵ کشور امضاکننده بیانیه و رژیم اشغالگر قدس، ۶ ضلعی ترور و خشونت هستند و تفکیک آنها از یکدیگر یک خطای بزرگ محسوب می‌شود. سوال اساسی این است: چرا پس از ترور ناجوانمردانه شهید اسماعیل هنیه، خبری از تنظیم این بیانیه‌های جمعی در محکومیت جنایت رژیم اشغالگر قدس نبود؟ این به معنای حمایت محض از کنشگری تروریستی رژیم کودک‌کش اسرائیل و در مقابل، ایستادگی مطلق در برابر اقدام طبیعی و قطعی جمهوری اسلامی ایران و دیگر اضلاع جبهه مقاومت است. پیام بیانیه اخیر، اعلام رسمی شراکت کشورهای امضاکننده آن در شهادت دکتر هنیه است. آمریکا و ۴ کشور اروپایی سند محکمی را در تایید همراهی خود با جنایت اخیر صهیونیست‌ها و سایر جنایات انجام شده از سوی این رژیم، به نظام بین‌الملل ارائه داده‌اند که قطعا در تدوین راهبردها و حتی تنظیم تاکتیک‌های متعلقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و دیگر اجزای جبهه مقاومت، مورد استناد و توجه قرار خواهد گرفت. نهتنها بیانیه اخیر ۵ کشور غربی در حمایت از رژیم اشغالگر قدس منجربه تغییر تصمیم و حتی چگونگی بلوغ قطعی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترور شهید هنیه نخواهد شد، بلکه بیش از پیش ما را متوجه نسبت شبکه تروریستی آمریکا - اروپا در غرب آسیا می‌سازد. نکته باقی اینکه آمریکا و بازیگران اروپایی در طول ماه‌های سپری شده از جنگ غزه بارها مانع انعقاد توافق آتش‌بس دائم در جنگ غزه شده و در روند مذاکرات قاهره نیز نقش منفی و بازدارنده‌ای ایفا کردند. امروز همه این بازیگران با اسم رمز «آتش‌بس دائم» در صدد جلوگیری از «پاسخ قطعی» ایران، حزب‌الله لبنان، حزب‌الله عراق، ارتش سوریه، انصارالله یمن و حماس هستند. چنین تلاش منبوحه‌ای از سوی غرب در حالی انجام می‌شود که بنیامین نتانیاهو اساسا انعقاد توافق آتش‌بس واقعی را خط قرمز خود قلمداد می‌کند و بازیگران اروپایی و آمریکایی نیز با سوءتفسیر عامدانه خود از مفاد و تبصره‌های سند توافق، زمینه را جهت استمرار کشتار و نسل‌کشی رژیم متحوس صهیونیستی فراهم می‌سازند. اضلاع جبهه مقاومت بخوبی نسبت به ماهیت سناریوی اخیر غربی- صهیونیستی تدوین شده پس از ترور شهید هنیه آگاه هستند و همین آگاهی، اصل انتقام خون شهید هنیه و حتی شدت و ضریب تاثیرگذاری فوق‌العاده آن را تضمین می‌کند. بیانیه اخیر آمریکا - اروپا علاوه بر اثبات ادغام و هضم آنها در مناسبات راهبردی و تروریستی صهیونیست‌ها، بیانگر شکاف عمیقی است که میان دولت - ملت در آمریکا و اروپا ایجاد شده و ترمیم آن دیگر ناممکن خواهد بود. تنها راه پر شدن این فاصله، انهدام ساختارهای کنونی قدرت در غرب و جایگزینی ساختارهای مستقل و مردم‌محور است. این همان سرنوشتی است که آمریکا و اتحادیه اروپایی گریزی از مواجهه با آن نخواهند داشت. در این صورت، مشاهده چهره شرکای غربی نسل‌کشی غزه و دیگر جنایات رژیم صهیونیستی دیدنی‌تر از هر زمان دیگری خواهد بود. تا آن زمان، فرصت اندکی باقی مانده است، ان‌شاءالله.

حنیف غفاری

دیدگاه

کابینه آقای پزشکیان

آقای پزشکیان نشان داد در همان خط و مسیری حرکت می‌کند که از ابتدای ورود خود در صحنه انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرده بود. تأکیدات مکرر و جمعبایی سابقه ایشان به‌عنوان یک کاندیدای ریاست‌جمهوری برلزوم رعایت چارچوب‌های قانون اساسی و نیز سیاست‌های کلان مقام معظم رهبری، کاملا در حافظه مردم ایران ثبت و ضبط شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، با مشخص‌شدن اعضای کابینه پیشنهادی آقای پزشکیان، نکات و مسائل دیگری هم مشخص شد که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

یکی از اولین نکات، کسانی که این فهرست اسلفی بود که خود از باران وفادار آقای پزشکیان می‌خواندند و بر بی‌مزد و منت بودن این یاری خود تأکید داشتند. آنها مدعی بودند نظراتشان مشورتی است و تصمیم‌گیری نهایی با خود آقای پزشکیان خواهد بود، اما هنگامی که با تصمیم آقای پزشکیان در انتخاب اعضای کابینه مواجه شدند، رفتار دیگری پیوافحت گرفتند و مشخص شد بین ذهن و زبان‌شان تفاوت وجود داشته است.

نکته دیگری که مشخص شد مبتنی‌بودن خط سیر و حرکت آقای پزشکیان بر یکسری اصول و مبانی است. در واقع آقای پزشکیان نشان داد در همان خط و مسیری حرکت می‌کند که از ابتدای ورود خود در صحنه انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرده بود. تأکیدات مکرر و جمعبایی سابقه ایشان به‌عنوان یک کاندیدای ریاست‌جمهوری برلزوم رعایت چارچوب‌های قانون اساسی و نیز سیاست‌های کلان مقام معظم رهبری، کاملا در حافظه مردم ایران ثبت و ضبط شده است. همه مردم ایران و همه اصحاب احزاب و جناح‌ها و جمعیت‌ها هم به‌وضوح این نکات را از زبان ایشان، از همان روز اول حضور در وزارت کشور برای نخستین در انتخابات شنیده‌اند. بنابراین پیوافحت رسیدن به سرانج تعیین سهم و درصد هر یک از گروه‌ها و جناح‌ها در این کابینه رفتند و حتی کار درصدبندی را به رده‌های معاونت و مدیرکلی و غیره هم کشاندند. بعضی اظهار خوشحالی کردند از این که مثلا ۶۰ درصد کابینه از فلان جناح است. بعضی‌ها اظهار ناراحتی کردند که چرا ۱۰۰ درصد کابینه از فلان جناح نیست. بعضی خشنود بودند از این که درصدی از کابینه به فلان جناح تعلق ندارد و در این میان شایستگی و لیاقت وزرای پیشنهادی از نگاه آنان، در محاق قرار گرفت.

در کنار این نکات، همچنین مشخص شد که در عرصه سیاسی کشور، افراد تند و افراطی و شلوغ‌کن و شهرت‌طلب، همواره بوده‌اند و هستند و خواهند بود که تنها یک اصل برایشان مهم است: جنجال به پا کن تا دیده شوی! برای اینان، هیچ چیز و هیچ‌کس مهم‌تر از خودشان نیست. اینان تنبه دیده‌شدن هستند و برای این منظور، هر کاری می‌کنند موافقت یا مخالفت با اعضای کابینه صرفا یک وسیله و ابزار و در واقع یک بهانه است. اصل، «من» است که باید به هر طریق ممکن دیده شود و بر سر زبان‌ها بیفتد.

و اما آنچه از این پس مشخص خواهد شد این که در تعامل میان آقای پزشکیان به‌عنوان رئیس قوه مجریه و نمایندگان مجلس به‌عنوان قوه مقننه، با مسئولیت‌های مشخص هر یک از این قوا در قوانین اساسی، تاچه حد اصول محترمی مانند منطق و حق و عدالت و نزاهت و هوشمندی حاکم خواهد بود شکی نیست که بررسی موشکافانه میزان شایستگی هر یک از وزرای پیشنهادی در عرصه تخصصی و وزارتخانه خود، نه‌تنها یک حق، بلکه مسئولیت شرعی و قانونی نمایندگان مجلس است که تخطی از آن به نفع هیچ‌کس نیست.

از سوی دیگر، برحذر بودن از نگاشها و قضاوت‌های خطی و جناحی در موافقت با مخالفت با وزرای پیشنهادی نیز باید دقیقا از زاویه همان مسئولیت شرعی و قانونی مورد لحاظ قرار داشته باشد، و در کنار این دو، باید خاطرنشان ساخت که مصالح عالیه کشور و نظام و مردم نیز قابل کتمان و چشم‌پوشی نیست. امید آن‌که در پایان این بحث‌ها و بررسی‌ها مشخص شود همگان به مسئولیت‌های قانونی و شرعی خود عمل کرده‌اند و با تشکیل یک دولت وفاق ملی و کارآمد، مسیر کشور برای اعتلا و سربلندی و سعادت، بیش از پیش هموار شده است.

مسعود رضایی، تحلیلگر مسائل سیاسی